

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

بازتایپ از: لاله هوادار (سازمان انقلابی افغانستان)

۱۶ می ۲۰۱۲

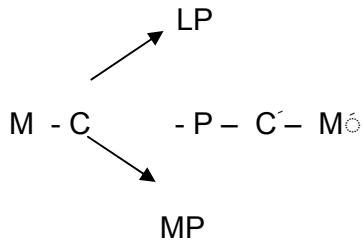
کیفیات ویژه روند کار در نظام سرمایه داری

در جریان کار که همیشه به شکل اجتماعی خاصی انجام می پذیرد، نیروی کار مصرف می گردد. این شکل اجتماعی همان چیزی است که به عنوان روابط تولید شناخته می شود و این روابط بر شکل مالکیت وسایل تولید مبتنی است. کیفیات خاص روند کار، به این امر بستگی دارد که چه کسی مالک وسایل تولید باشد. تحت شرایط سرمایه داری، وسایل تولید به سرمایه دار تعلق دارد، در حالی که کارگر از داشتن آنها محروم است. به این دلیل، کیفیات ویژه زیر در روند کار، مشخص کننده نظام سرمایه داری هستند: اولاً، کارگر تحت نظارت سرمایه داری که کارش متعلق به اوست کار می کند. سرمایه دار تصمیم می گیرد که چه باید تولید شود، به چه میزان باید تولید شود و با چه روشی باید تولید شود. ثانیاً، نه فقط کارگر متعلق به سرمایه دار است بلکه محصول کار او نیز به سرمایه دار تعلق دارد. این کیفیات ویژه روند کار در نظام سرمایه داری است که کار کارگر را به کاری سنگین، تحمیلی و اجباری تبدیل می کند.

تولید سرمایه داری ترکیبی است از روند تولید ارزش مصرف و روند افزایش ارزش. در یک اقتصاد کالائی، ارزش مصرف نمی تواند بدون تولید ارزش، تولید گردد. وقتی کارگری کالائی می سازد، کار صرف آن کرده است که طبیعت دو گانه و دو پهلو دارد. از طرفی، کار مجسم است و موجب ایجاد ارزش مصرف می گردد. از طرف دیگر، کار مجرد است و موجب ایجاد ارزش کالا می شود.

برای سرمایه دار، تولید ارزش مصرف تنها یک وسیله است برای نیل به هدف. این هدف که محرک و انگیزه اصلی تولید سرمایه داری است، تولید ارزش اضافی می باشد. بیانیید ببینیم چگونه ارزش اضافی به وجود می آید: سرمایه دار، هنگام آغاز کار خویش، آنچه را که در تولید مورد نیازش است یعنی ماشین آلات، اسباب و ابزار ماشینی، مواد خام، سوخت و نیروی کار را در بازار خریداری می کند. پس از آن، تولید آغاز می شود. ماشین آلات و ابزار ها به کار می افتد، کارگران کار می کنند، سوخت مصرف می شود و مواد خام به محصولات کار تمام تبدیل می گردند.

وقتی کالا آماده شد، سرمایه دار آن را در بازار به فروش می رساند و با پولی که به این ترتیب دریافت می کند، مواد خام، ماشین آلات، نیروی کار و... بیشتری خریداری می کند. به سخن دیگر، سایکل تکرار می گردد. این سایکل را می توان به شکل زیر نمایش داد:



قیمت کالای تمام شده چیست؟

فرض کنیم که یک نفر سرمایه دار صاحب یک فابریکه تهیه لباس است. وی برای تهیه لباس، ماشین های دوختنی و خیاطی، پارچه پشمی و لوازم دیگر (آستر، دکمه، نخ و ...) و نیروی کار خریداری می کند. فرض کنید که برای تهیه ۵۰۰ جوره لباس، او ۱۵۰۰ متر پارچه پشمی از قرار فی متر ۳ دالر مجموعاً به قیمت ۴۵۰۰ دالر خریداری می کند. برای سایر لوازم، هر جوره ۳ دالر مجموعاً ۱۵۰۰ دالر صرف می کند. تولید ۵۰۰ جوره لباس، مقداری استهلاك ماشین آلات خیاطی و هزینه های دیگر (روشنائی، گرما و...) مجموعاً ۵۰۰ دالر نیز به همراه دارد. هزینه مزدور کردن کار (۵۰ کارگر که هر یک روزانه ۵ دالر مزد دارند) نیز بالغ بر ۲۵۰ دالر می گردد.

به این ترتیب سرمایه دار تمام عناصر اساسی و لوازم تولید را تهیه کرده است. مجموع هزینه که او برای ۵۰۰ جوره لباس صرف کرده است به قرار زیر می باشد:

ارزش پارچه پشمی..... ۴۵۰۰ دالر
 ارزش لوازم و تجهیزات..... ۱۵۰۰ دالر
 ارزش استهلاك و غیره..... ۵۰۰ دالر
 ارزش نیروی کار..... ۲۵۰ دالر
 مجموع _____ ۶۷۵۰ دالر

ارزش یکدست لباس برابر (۶۷۵۰ / ۵۰۰) یعنی ۱۳.۵ دالر است.

سرمایه دار در بازار متوجه می شود که لباس های مشابه آنچه وی دارد، هر جوره ۱۳.۵ دالر به فروش می رسد. بنابراین او نیز باید لباس ها را به همین قیمت به فروش برساند. نتیجه این که سرمایه دار ۶۷۵۰ دالر برای تولید مصرف کرده و پس از فروش کالا های تولید شده، (۱۳.۵ x ۵۰۰) یعنی همان مبلغ ۶۷۵۰ دالر را دریافت کرده است. هیچ گونه ارزش اضافی به وجود نیامده و در این جریان، پول تبدیل به سرمایه نشده است.

پس ارزش اضافی چگونه به وجود می آید؟

نکته اساسی اکنون باید مورد توجه قرار گیرد این است که کارگر ارزش نیروی کار خود را نه در طول یک روزانه کامل کار^۱، بلکه در طی بخشی از روزانه کار مثلاً در مدت ۵ ساعت به وجود می آورد. ولی سرمایه دار

^۱ - این اصطلاح را به معنای مجموعه ساعاتی که در هر روز یک کارگر باید کار کند، به کار برده ایم.

وی را مجبور می سازد که در روز بیش از پنج ساعت کار کند. سرمایه دار ارزش نیروی کار را بر حسب روز پرداخته است و مالک ارزش مصرف تولید شده کالای مزبور در طول تمامی روزانه کار، می باشد. به همین دلیل، وی کارگر را مجبور می کند که روزانه ۸ ساعت یا ۱۰ ساعت یا حتی بیشتر از آن کار کند. طولانی کردن مدت کار روزانه موجب می شود که کارگر ارزشی بیش از ارزش کالائی که تحت عنوان نیروی کار فروخته است، تولید کند.

فرض کنیم سرمایه دار کارگر را مجبور می کند به جای ۵ ساعت در روز ۱۰ ساعت کار کند. طی ۱۰ ساعت کار، کارگران (که در مثال ما ۵۰ نفر اند) وسایل تولید را دو برابر بیش از مورد قبل به کار برده و حاصل کار شان دو برابر دفعه پیش یعنی ۱۰۰۰ جوره لباس خواهد بود.

اکنون ببینید در این مورد هزینه هائی را که سرمایه دار صرف کرده است بررسی نمائیم:

ارزش پارچه پشمی.....۹۰۰۰ دالر

ارزش سایر وسایل و تجهیزات.....۳۰۰۰ دالر

ارزش استهلاك.....۱۰۰۰ دالر

ارزش نیروی کار۲۵۰ دالر

مجموع ۱۳۲۵۰ دالر

در یک روزانه کار ۱۰ ساعته، کارگران ۱۰۰۰ جوره لباس تولید کرده اند، از فروش آنها در بازار (۱۳.۵) دالر معادل ۱۳۵۰۰ دالر عاید سرمایه دار می گردد. او با ۱۳۲۵۰ دالر که سرمایه گذاری کرده، ۱۳۵۰۰ دالر دریافت داشته است. مبلغی که در بدو امر سرمایه گذاری شد، ۲۵۰ دالر افزایش یافته است. این ۲۵۰ دالر ارزش اضافی است. در این جریان، پول به سرمایه تبدیل شده است.

تحصیل ارزش اضافی با این واقعیت تبیین می گردد که کارگران ساعاتی بیش از آنچه برای تولید ارزش نیروی کاری که فروخته اند لازم بوده، کار کرده اند. نتیجه این که، ارزش اضافی حاصل استثمار طبقه متکی به نیروی کار به وسیله سرمایه داران است.

استثمار انسان به وسیله انسان، بدعت سرمایه داری نیست، این امر مدت ها پیش از این نظام وجود داشته است. در جوامع برده داری و فیودالی، کار برده ها، سرف ها و دهقان ها آشکارا کار اجباری بود و استثمار آنان پنهان یا استتار نمی شد.

لیکن در نظام سرمایه داری، امور به صورت دیگر جریان دارند. در اینجا کارگر دیگر شخصاً وابسته نیست، او به یک سرمایه دار خاص و معین تعلق ندارد. بنابراین، سرمایه دار نمی تواند او را مجبور به کار کند. لیکن او نه وسایل تولید دارد و نه اسباب معاش و مجبور است نیروی کار خود را به فروش برساند. گرسنگی کارگر را وادار می سازد که برای سرمایه دار کار کند. به این دلیل است که نظام کار مزدوری یک نظام بردگی مزد می باشد.

در نظام سرمایه داری، خصلت اجباری کار استتار شده است. کارل مارکس پس از افشای راز استثمار سرمایه داری، قانون اصلی اقتصادی وجه تولید سرمایه داری را کشف کرد. وی نوشت: "تولید ارزش اضافی، قانون مطلق این وجه تولید است."

قانون ارزش اضافی به ما امکان می دهد که کلیه جریانانات و پدیده هائی را که در جامعه سرمایه داری رخ می دهد باز شناخته و تشریح کنیم. قانون مزبور، طبیعت استثماری این وجه تولید را بر ملا می سازد. این قانون،

مبین تشدید رقابت و هرج و مرج تولید سرمایه داری، فقر روز افزون زحمتکشان، بیکاری رو به افزایش و عمیق تر شدن و شدت گرفتن کلیه تضاد های نظام سرمایه داری است.

ادامه دارد...

بر گرفته از کتاب علم اقتصاد، نوشته ای: پ نیکی تین